

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۷، پاییز ۱۳۹۵، ویژه علوم سیاسی

بررسی ساختاری - مضمونی دلالت‌های سیاسی

سوره مبارکه انفال

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۴/۱۲ تاریخ تأیید: ۹۵/۰۶/۱۵

قاسم احمدی*

چکیده

جنگ و صلح از مهمترین مباحث سیاسی است که در سوره مبارکه انفال بدان پرداخته شده است. اسلام جنگ و درگیری را اصل نمی‌داند، بلکه بنا بر ضرورت بدان روی می‌آورد. جهاد در اسلام نه برای تحمیل عقیده و اجباراکراه مردم به قبول اسلام، بلکه در راه خدا و برای تحقق ارزش‌های انسانی و رفع موانع تعقل و اندیشه است. بررسی و مطالعه سوره‌های قرآن کریم خصوصاً سوره مبارکه انفال نشان می‌دهد که اسلام صلح عزت‌مندانه را بر جنگ مقدم داشته است. البته در همین سوره جامعه اسلامی را به هوشیاری و هرگونه آمادگی دفاعی و نظامی در دوران صلح در برابر جبهه باطل فرا خوانده است.

واژه‌های کلیدی: جهاد، سلم، آمادگی نظامی.

* کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های انسان معاصر در عرصه اندیشه و عمل، معضلات سیاسی و اجتماعی است و قرآن کریم به عنوان معجزه جاودانه پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سند معتبر و مورد وثوق همه مسلمانان و جمیع فرق و نحله‌های اسلامی، می‌تواند پاسخ و راهکاری برای مسایل سیاسی و اجتماعی بشری ارائه دهد. (و نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ - سوره نحل / آئه ۸۹)

اندیشه سیاسی اسلام، تنها الگوی عملی رفتار سیای کشورهای اسلامی می‌باشد. تاکنون تلاش‌های زیادی جهت استخراج اندیشه سیاسی اسلام صورت گرفته که سهم زیادی از این مطالعات به بررسی تاریخ و روایات موجود در این زمینه پرداخته اند و کمتر تلاشی قرآن کریم را که کتاب جاودانی و بی عیب و نقص همه مسلمین است مورد توجه قرار داده است. و از سوی شاهد آنیم که با وجود ضرورت توجه به قرآن، نقش مرکزی و تعیین کننده قرآن و مباحث قرآنی که در پیش از انقلاب اسلامی ایران با عنوان بازگشت به قرآن مورد توجه قرار گرفته بود، بویژه پس از انقلاب اسلامی تقلیل پیدا کرده است.

آیات سیاسی در قرآن بر مبنای تفکیک ناپذیری دین از سیاست پی ریزی شده و نظام سیاسی خاصی در قرآن براساس سیادت و فرمانروایی مطلق خداوند طرح گردیده است. در قرآن کریم از تاثیر مبانی کلامی و نوع اندیشه و جهان بینی در برداشت از آیات سیاسی و به همان نسبت، تعیین اهداف نهایی و متوسط نظام سیاسی سخن به میان آمده است. آنچه سبب مهجوریت قرآن در میان سیاست ورزان و اندیشمندان سیاسی گردیده، میان رشته ای بودن سیاست قرآنی و ویژگی و حساسیت فوق العاده هر دو عرصه سیاست و قرآن کریم است. لذا مفسران و متخصصان علوم قرآنی از ورود در عرصه سیاست و قدرت هراسناکند و اندیشمندان سیاسی به علت عدم آشنایی با علوم قرآن و تفسیر و

حساسیت دین و وحی الهی ترجیح داده اند ورود علمی و عمیق به مباحث قرآنی را واگذارند. نگارنده در تلاش است با آشنایی که با دو رشته‌ی علوم سیاسی و علوم قرآنی دارد به استخراج مفاهیم سیاسی از سوره مبارکه انفال پردازد. البته استفاده از شیوه تحمیل بر قرآن در تفسیر سیاسی که منجر به تفسیر به رای می‌شود از نظر نگارنده نادرست و مردود است اما می‌توان از شیوه استخدام علوم سیاسی برای فهم بهتر آیات قرآن استفاده کرده یا به نظریه پردازی قرآنی در حوزه سیاست دست یافت.

بخش اول: روش شناسی

در این تحقیق برای دستیابی به دلالت‌های سیاسی سوره مبارکه انفال از تفسیر ساختاری - مضمونی استفاده شده است. تفسیر ساختاری، بر این پیش فرض استوار است که برخلاف ادعاهای مستشرقین، قرآن متشکل از آیاتی پراکنده و بی ارتباط با همدیگر نیست. بلکه هر سوره از قرآن داری قلب و محوری است که آیات آن سوره بصورت مستقیم یا با واسطه با محور سوره در ارتباط است. تفسیر ساختاری بیش از هر چیز بر هدفمندی سوره و چگونگی کشف این هدفمندی تاکید دارد فلذا با استفاده از اموری چون نام سوره، شان نزول، سیاق سوره، قصص سوره، ابتدا و انتهای سوره درصدد دستیابی به پیام محوری سوره هست. تفسیر ساختاری به تجزیه و تحلیل تمام متن نمی‌پردازد بلکه با نشانه شناسی در پی مقصود خویش است. فرض اساسی که در تفسیر ساختاری وجود دارد اعجاز کلامی و بیانی قرآن کریم می‌باشد. از همین رو به هنگام مواجهه با متن به نشانگانی روی می‌آورد که ریشه در بلاغت مصنف دارد به گونه ای که گوینده ای بلیغ و آگاه در کلام خویش حتما به آنها توجه دارد مثل نام سوره و یا ابتدا و انتهای سوره و...

بنابراین تفسیر ساختاری بجای مواجهه مستقیم با متن، بیشتر به مصنف توجه دارد در حالی که در تحلیل مضمون، تمرکز بر روی متن صورت گرفته است. با استفاده از تکنیک‌های تحلیل مضمون به تجزیه و تحلیل متن مورد نظر پرداخته می‌شود. آنچه که

در تحلیل مضمون حائز اهمیت است، بسآمد واژگانی متن می‌باشد. در حالی که در تفسیر بنائی تنها بسآمد واژگانی اسماء الهی مورد دقت قرار می‌گیرد. از سویی دیگر اگر چه انعطاف پذیری، مزیت تحلیل مضمون است اما عیب آن نیز است زیرا رهنمودهای خاصی برای تحلیل های سطوح بالاتر عرضه نمی‌کند؛ از این رو، ممکن است پژوهشگر خود تصمیم بگیرد که به چیزی در داده‌ها تمرکز کند.

بنابراین تفسیر ساختاری بیشتر درصدد دستیابی به قلب سوره است و به متن مورد نظر تا جایی توجه دارد که بتواند محور موضوعی سوره را کشف کند و کمتر به احصاء و بررسی همه مضامین سوره اهتمام دارد.

علیرغم اینکه بررسی سیاق در روش تفسیر ساختاری از جایگاه ویژه ای برخوردار است اما راهکاری روشن و کارآمدی برای بررسی روشمند آن مطرح نگردیده است و تنها بصورت کلی به بررسی سیاق توصیه شده است، لذا ما برای جبران این کاستی و غنای این بخش از روش ساختاری، از تحلیل مضمونی برای بررسی سیاق سوره بهره خواهیم گرفت. در روش تحلیل مضمون، تجزیه و تحلیل متن از کوچکترین واحد متن مورد نظر آغاز شده و تمامی مضامین آن بصورت دقیق و موشکافانه مورد تحلیل و بررسی قرا می‌گیرد و ارتباط همه اجزای متن با یکدیگر روشن می‌گردد. بدین صورت که با تحلیل متن به جزئی‌ترین واحدهای آن، مضامین پایه ای سوره استخراج شده و سپس مضامین سازمان دهنده از مضامین پایه ای بدست می‌آید و در پایان به مضامین فراگیر سوره می‌رسیم.

در نتیجه در این نوشتار تلاش شده است با ترکیب دو روش تحلیل مضمون و تفسیر ساختاری، از کاستی موجود در هر یک از این روشها پرهیز شده و با مضمون یابی دقیق و استفاده از اعجاز بلاغی قرآن بر باروری هر چه بیشتر نوشتار مورد نظر در کشف پیام اصلی سوره و ارتباط سنجی آن با سایر آیات افزود.

بخش دوم: تفسیر ساختاری - مضمونی سوره انفال

چنانچه بیان گردید غرض اصلی سوره‌های قرآن «کشف کردنی» است نه «وضع کردنی» و چنین نیست که هر مفسری به دلخواه موضوعی را برای یک سوره تعیین کند و آیات را به هر طریق ممکن بدان مرتبط نماید، بلکه هر سوره از آغاز نزول دارای غرضی مشخص و تعیین شده است و وظیفه مفسر و قرآن پژوه تنها کشف و راه یابی به این واقعیت است. البته چه بسا که همچون هر محقق دیگری راه به خطا بپیماید و به سرمنزل مقصود نرسد. اما اگر این روشها را به خوبی به کار گیرد و توفیق الهی نیز رفیق او باشد در پیمودن این طریق و کشف غرض اصلی موفق‌تر و مطمئن‌تر است. مفسران و قرآن پژوهان از روشهای گوناگونی برای راهیابی به اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن سود جسته‌اند. آنان از اموری همچون سیاق آیات، شأن نزول سوره، اسم سوره، واژه‌های کلیدی سوره، قصص و آیات آغازین و پایانی سوره به عنوان ابزارهایی برای کشف غرض اصلی سوره استفاده کرده‌اند. لذا ما نیز با بهره گیری از این روش در پی راهیابی به اهداف و غرض اصلی سوره مبارکه‌ی انفال هستیم.

۱. نام سوره

یکی از نشانه‌هایی که مفسران را به کشف غرض سوره‌ها راهنمایی می‌کند، اسم سوره است. چنان که بیشتر آیات سوره انفال که با نام بدر نیز شناخته می‌شود درباره جهاد و غنائم (انفال) و وظایف مومنان در میدان نبرد می‌باشد و درباره آداب امدادگی برای جنگ و عوامل پیروزی و شکست در صحنه نبرد صحبت می‌کند. کلمه انفال به معنای غنیمت‌های جنگ و ثروت‌های عمومی دوبار در این سوره به کار رفته و در هیچ سوره دیگری نیامده است. وجه تسمیه آن به کار رفتن کلمه انفال و بیان شدن احکام آن در این سوره است. (قرشی، ۱۳۷۷ ش، ص ۸۲)

همچنین نام دیگر این سوره «بدر» است. حتی ابن عباس هم بطوری که از وی نقل شده این سوره را «سوره بدر» نامیده (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق ج ۹، ص ۷) و به این غزوه مشروحاً در این سوره پرداخته شده است.

۲. آیات آغازین و پایانی سوره‌ها

آیات اول و آخر هر سوره، خلاصه و جمع بندی آن سوره محسوب می‌شود چرا که تردیدی نیست که زیبایی و بلاغت سخن تا اندازه زیادی به عبارات آغازین و پایانی آن بستگی دارد. متکلم چیره دست در ورود و خروج به مقصود از خود حسن سلیقه و هنر نشان می‌دهد. به علاوه عالمان بلاغت از دیرزمان «حسن مطلع» و «حسن ختام» در هر سوره را از جمله محسنات بدیعی قرآن دانسته‌اند. چرا که خداوند متعال هر سوره از قرآن را با مقدمه ای آغاز میکند که در خاتمه سوره نیز با بازگشتی مجدد به همان مضمون ابتدایی سوره، کلام خویش را به پایان می‌برد. از همین روست که در سوره مبارکه انفال شاهدیم که سوره با بیانی از احکام انفال و اطاعت از پیامبر (فرمانده) در جنگ آغاز شده و در پایان سوره نیز (آیه ۷۵) با بیان مسئله هجرت و جهاد به پایان می‌رسد.

۳. شأن نزول آیات و سوره‌ها

شناخت شأن نزول آیات و سوره‌ها، نقش بسیار مهمی در فهم و درک معانی قرآن و کشف اغراض و اهداف سوره‌ها ایفا می‌نماید. به همین جهت است که مفسران پیش از ورود به تفسیر یک سوره، ابتدا شأن نزول آن را مورد بررسی قرار می‌دهند.

اگر از گذرگاه دشوار و پردست انداز حجیت روایات شأن نزول بگذریم و جواز استفاده از آنها را در استنباطات قرآنی به دست آوریم، می‌توانیم از آنها در کشف غرض سوره بهره‌مند شویم.

از آنجا که کشف غرض هر سوره متوقف بر فهم معانی صحیح آیات است و با برداشتهای ناقص و حدس و احتمال و ترجمه تحت اللفظی آیات نمی‌توان به غرض اصلی سوره رسید؛ بنابراین توجه به «شأن نزول» آیات کمک مهمی در کشف غرض سوره می‌نماید.

در کلیات سوره هم بیان شد، در شأن نزول سوره انفال، از ابن عباس نقل شده است که این سوره در روز جنگ بدر و ماجرا و مسائل پیش آمده میان جنگجویان به پیامبر ﷺ نازل شده است و. همانطور که ملاحظه شد شأن نزول سوره نیز، نزول این سوره را پس از جنگ بدر و در توصیف احکام جهاد بیان می‌دارد. و به روشنی آشکار می‌گردد که مسئله جهاد و احکام آن محور اصلی سوره و غرض مهم از بیان آن می‌باشد.

۴. مکی یا مدنی بودن سوره

یکی از مباحث سودمند و پرفایده علوم قرآنی، بازشناسی سوره‌های مکی از مدنی است. مکی یا مدنی بودن سوره‌ها نه تنها در فهم تاریخ و مکان نزول سوره تأثیر دارد، بلکه در استنباط فقهی و استدلالات کلامی نیز مؤثر است و فصل الخطاب برخی از مباحث جنجالی در حوزه علوم قرآنی به شمار می‌رود.

هنگامی که با استمداد از ویژگی مکی یا مدنی بودن سوره، دامنه هدف آن را محدود کردیم، آن گاه با استفاده از دیگر ابزارها به کشف غرض سوره می‌پردازیم. این سوره، بقول ابن عباس و قتاده، بجز هفت آیه آن که در مکه نازل شده است، مدنی است. آیات مدنی آن از آیه «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا...» شروع می‌شود. و حسن و عکرمه گویند: تمام سوره در جنگ بدر نازل شده است. (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۰، ص ۱۵۴).

ویژگی‌های محتوایی سوره‌های مدنی عبارتند از: این سوره‌ها طولانی بوده و دارای آیات طولانی‌تری هستند و معمولاً فرایض و حدود در این سوره‌ها آمده است؛ بیان قوانین شهری، قضایی، اجتماعی و دولتی و قوانین جنگ و صلح از مهمترین ویژگی آیات مدنی

محسوب می‌گردد؛ سوره‌های مدنی دارای خطاب «یا ایها الذین آمنوا» هستند (معرفت، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ص ۱۳۱) در سوره‌های مدنی به تبیین عقاید فاسد اهل کتاب و دعوت آنها به اسلام پرداخته شده و احوال و اقدامات منافقین و موضع مسلمانان و پیامبر ﷺ در برابر آنها طرح گردیده است.

با توجه به مدنی بودن سوره انفال، دایره محتوایی این سوره محدود می‌گردد و با کمک گرفتن از سایر شیوه‌های کشف هدف سوره، بدست می‌آید که وجه قالب سوره انفال به عنوان یک سوره مدنی در خصوص جهاد و مسائل مربوط به آن می‌باشد.

۵. اسماء الحسنی

یکی دیگر از ابزارها و اسباب شناخت غرض سوره‌ها، چگونگی کاربرد نام‌های الهی و نسبت آماری مربوط به آن می‌باشد. این نامها که در ارتباط با محتوا و مضمون محوری هر سوره و تأثیرات تربیتی و ارشادی آنها به کار رفته‌اند، راهنمای بسیار مفیدی برای شناخت بهتر سوره‌ها هستند. اسماء الحسنای بکار رفته در سوره انفال عبارتند از:

۱. الله ۸۸ بار
۲. رب (مضاف) ۶ بار (ربهم، ربک، ربکم)
۳. علیم ۶ بار (آیات ۱۷-۴۲-۴۳-۵۲-۶۱-۷۱) که چهار مرتبه از آن در ترکیب با سمیع و یک مرتبه با حکیم و یک مرتبه هم به تنهایی بکار رفته است.
۴. حکیم ۵ بار (آیات ۱۰-۴۹-۶۳-۶۷-۷۱) چهار بار با ترکیب با عزیز و یکبار با ترکیب با علیم
۵. عزیز ۴ بار (آیات ۱۰-۴۹-۶۳-۶۷) در ترکیب با حکیم
۶. سمیع ۴ بار (آیات ۱۷-۴۲-۵۲-۶۱)
۷. شدید العقاب ۴ بار (آیات ۱۳-۲۵-۴۸-۵۲)
۸. بصیر ۲ بار (آیات ۳۹-۷۲)

۹. قدیر ۲ بار (آیات ۴۱-۷۵)

۱۰. غفور ۲ بار (۶۹-۷۰)

۱۱. رحیم ۲ بار (۶۹ - ۷۰)

۱۲. و هر کدام از «ذوالفضل العظیم» و «نعم المولی» و «نعم النصیر» و «محیط» و

«قوی» و «خیرالماکرین» یکبار در این سوره بکار رفته اند

نکته مهم در این سوره نام «الله» می‌باشد که بطور نسبی با توجه به تعداد کلمات سوره، از تمامی سوره‌های بلند قرآن بیشتر است. به گونه ای که اگر تعداد نام «الله» را بر تعداد کل کلمات سوره تقسیم نماییم، به کوچکترین رقم درمقایسه با سایر سوره‌ها می‌رسیم. یعنی در هر ۱۳ یا ۱۴ کلمه این سوره بطور متوسط یکبار نام «الله» بکار رفته است. همچنین قلت کاربرد «رب» نسبت به سایر سوره‌ها در این سوره قابل توجه است به این ترتیب معلوم می‌شود در این سوره به دلیل مساله جهاد و قتال روی مسئله الوهیت، بیش از مسئله ربوبیت توجه شده است.

نکته دیگر تعداد زیاد اسامی عزیز حکیم، سمیع علیم و شدیدالعقاب می‌باشد که هر کدام ۴ بار در این سوره به کار رفته اند. شدیدالعقاب در این سوره بالاترین مقدار کاربرد را داشته و عزیز حکیم پس از سوره بقره، بیش از سایر سوره‌ها آمده است. این اسامی در رابطه با موضوع سوره که جنگ و جهاد و درگیری شدید مومنین با کفار می‌باشد، معنای خاص خود را افاده می‌نمایند. (بازرگان، ۱۳۷۲ ش، ص ۲۲۰)

۶. قصص قرآنی و اغراض سوره‌ها

یکی از ابزارهای مؤثر قرآن برای تفهیم مقاصد و اهداف متعالی اش، بیان و بازگویی واقعیتها و رخدادهای تاریخی است. ویکی از ویژگیهای قصص قرآنی، هم سو و هم جهت بودن آنها با مطالب سوره و هدف اصلی آن است. ناگفته نماند که برای نشان دادن رابطه بین «کیفیت عبارت پردازی در گزارشهای تاریخی قرآن» و هدف اصلی سوره به نمونه‌ها

و شواهد فراوانی می‌توان اشاره نمود که هر یک به گونه‌ای این ارتباط معنی‌دار و هدایت‌کننده را می‌نمایانند.

قصه هجرت پیامبر از مکه به مدینه و جنگ بدر از داستان‌هایی است که در این سوره ذکر شده و ما ذیلاً به چگونگی ارتباط این قصص با مسئله جهاد که محور اصلی سوره است خواهیم پرداخت.

الف) جنگ بدر

با توجه به محوریت سوره بر موضوع جهاد، جنگ بدر، نبردی است که بیشتر آیات سوره انفال را به خود اختصاص داده است. سوره انفال با اشاره به اتفاقاتی که در این جنگ مهم روی داده، به بررسی احکام جهاد و صلح و وظایف مومنان در صحنه نبرد و تاکتیک‌های جنگی و همین‌طور تقسیم غنائم و چگونگی رفتار با اسیران می‌پردازد.

ب) هجرت پیامبر از مکه به مدینه

بررسی تاریخ نشان می‌دهد که هجرت و جهاد، دو عامل اصلی در پیروزی اسلام در برابر دشمنان و مخالفان بودند. اگر هجرت پیامبر نبود اسلام در محیط خفقان‌آور مکه از میان می‌رفت. هجرت پیامبر اکرم سبب توسعه‌ی اسلام و تشکیل اجتماعی مستقل از مسلمین شد و زمینه‌ساز این شد که مسلمانان بتوانند با تمرکز به ایجاد سپاه و تقویت توان نظامی خویش بپردازند. و همین دستاورد مهم و اساسی بود که موجب پیروزی‌های بعدی مسلمانان در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل گردید.

همچنین با توجه به اینکه مسئله هجرت سرآغاز مرحله نوینی از تاریخ اسلام بلکه تاریخ بشریت بود نتیجه می‌گیریم که خداوند متعال همانگونه که در قضیه هجرت پیامبر با امدادهای الهی پیامبرص را از نقشه شوم کفار آگاه ساخته و از دست آنان رهایی بخشید در جنگ بدر نیز علیرغم محاسبات عادی و با اینکه تعداد نفرات انسانی و تجهیزات جنگی دشمن بمراتب بسیار بیشتر از مسلمانان بود با امدادهای غیبی، مسلمانان را یاری نمود.

مسئله هجرت منجر به ایجاد اولین حکومت اسلامی در یثرب شده و بخاطر نتایجی که برای مسلمانان در پی داشت، مبدأ تاریخ اسلام قرار گرفته است. بنابراین کسانی که به خدا ایمان داشته و در راه خدا هجرت و جهاد می‌کنند همواره مورد تایید و یاری الهی خواهند بود.

تا به اینجای کار با بررسی که با استفاده از روش ساختاری - مضمونی درباره سوره انفال انجام گرفت روشن گردید که هر کدام از عناوین فوق بر مضمون محوری جهاد به عنوان، قلب سوره انفال دلالت دارد. بطور خلاصه پس از آنکه محدوده موضوعی سوره حول موضوعاتی چون بیان اصول و قوانین جنگ و صلح و مقابله با کفار و منافقین با مدنی بودن سوره روشن گردید، وجه تسمیه سوره ذکر شد که علاوه بر انفال (که مربوط به غنایم جنگی است)، بدر نیز گفته می‌شود و به یکی از جنگهای مهم صدر اسلام اشاره دارد و آیات آغازین و پایانی سوره انفال نیز با لزوم اطاعت از فرمانده در تقسیم غنایم جنگی در ابتدا و ذکر جهاد به عنوان یکی از صفات مومنین ممتاز در انتهای سوره، صدر و ختم سوره را به موضوع جهاد گره زده است. شان نزول سوره نیز طبق نقل‌های معتبری که در این باره وجود دارد نزول سوره انفال را بلافاصله پس از جنگ بدر و مربوط به این واقعه مهم می‌داند. همچنین اسماء الحسنایی که در سوره انفال آمده با توجه به امر قتال، جهت گیری الوهی داشته و اسمایی چون شدید العقاب که مشیر به درگیری شدید مسلمانان با کفار هست، در همین راستا قابل توضیح است. و در نهایت آخرین چیزی که در این بخش از کار مورد دقت قرار گرفت، قصص سوره و ارتباط آنها با قلب سوره بود که مفصلاً در بالا تبیین شد.

۷. سیاق سوره

گویاترین روش برای کشف غرض یک سوره بررسی سیاق سوره است. باتوجه به تلفیق روشی که در این تحقیق صورت گرفته است، با بهره گیری از روش تحلیل مضمون

به بررسی سیاق سوره می‌پردازیم. چنانچه ذکر شد، تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود داده‌های متنی بوده و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند.

باکمک و بهره‌گیری از روش تفسیر ساختاری، جهاد به عنوان قلب و محور اصلی سوره مبارکه انفال شناسایی گردید و نشان داده شد که چگونه آیات دیگر سوره مبارکه انفال حول محور اصلی سوره یعنی جهاد نازل شده‌اند. در بخش سیاق از تفسیر ساختاری نیز، با کمک روش تحلیل مضامین با تجزیه و تحلیل و دقت در مضامین سوره به مضامین پایه ای، سازمان دهنده و فراگیری دست می‌یابیم که ارتباط وثیقی با قلب سوره و مسئله جهاد دارند. به طوری که مضامین پایه ای موجود در سوره به کمک مضامین سازمان دهنده در ذیل مضامین فراگیر نه گانه زیر قرار می‌گیرند:

۱. عوامل پیروزی و شکست در جنگ، ۲. احکام غنائم، ۳. آمادگی نظامی و دفاعی، ۴. سلم ۵. برخورد با اسرا جنگی ۶. دشمن شناسی ۷. امدادهای الهی در جنگ ۸. سنت‌های الهی ۹. وظیفه شناسی و مسئولیت پذیری هر یک از این مضامین فراگیر، بخشی از احکام و مسائل جهاد را بیان می‌دارند و با کمک این مضامین موضوع جهاد و مسائل مربوط به آن تبیین می‌گردد و در نهایت شبکه و پیکره ای منظم از مضامین مرتبط را ترسیم می‌نمایند.

این سازواری و ارتباط شبکه ای مضامین با محور اصلی و قلب سوره نشان می‌دهد که چگونه آیات متعدد در سوره انفال هر یک به نوعی در صدد تشریح محور اصلی سوره بوده و ما را به شناختی دقیق از مسئله جهاد رهنمون می‌سازند.

بخش سوم: دلالت‌های سیاسی سوره انفال

با بهره‌گیری از روش ساختاری - مضمونی روشن شد، که قلب و محور اصلی برآمده از سوره انفال مفهوم جهاد و مسائل مرتبط با آن است. جهاد، یکی از امور مهم سیاسی است که سرنوشت بسیاری از مسایل سیاسی دیگر با آن مرتبط است. جهاد پیکاری است که برای خشنودی خداوند در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی، برای آزادی ملت‌ها از زیر بار ستم انجام می‌پذیرد. این معنا از منظر قرآن با مفهوم جنگ که به معنای مطلق درگیری است تفاوت بسیاری دارد که بدان اشاره خواهد شد. جهاد دارای احکام و اصولی است که سوره انفال در صدد تبیین آن می‌باشد.

با تحلیل مضمونی سیاق سوره و گردآوری مضامین فراگیر این سوره، دلالت‌های سیاسی دیگری نیز از این سوره به دست می‌آیند که بسیاری از این مضامین حول محور جهاد می‌باشند. جنگ و صلح همواره دارای تناوب و توالی بوده‌اند. به گونه‌ای که همواره در پس جنگ‌های کوتاه یا طولانی، صلح به ارمغان می‌آمده و گذشت ایامی چند، جنگ جدیدی را پدید می‌آورد. چنین تناوب و توالی صلح و جنگ، تحقیق و پژوهش این دو را به هم گره زده است. در قرآن کریم نیز هر جا که سخن از جنگ به میان آمده درباره صلح نیز سخن گفته شده است. سوره انفال هم از مصادیق این مسئله در قرآن هست. در این سوره همانطور که درباره جنگ سخن گفته شده درباره صلح و چگونگی آن نیز آیاتی آمده است. به دلیل ارتباط وثیق این دلالت‌ها، ما مضامین سیاسی را در ذیل دو مفهوم اساسی جهاد و صلح قرار داده و به بررسی این دو مفهوم می‌پردازیم.

جنگ و صلح دو وضعیت کاملاً متمایز از یکدیگرند. بشر از آن روز که پا به عرصه وجود گذارد، دمی از این دو فارغ نبوده است. یا گریبان گیر تنازع، تخالف، جنگ و مبارزه بوده یا در صلح و صفا، همزیستی مسالمت آمیز داشته است و در طول تاریخ اندیشه بشر نیز این دو مورد توجه و تأمل اندیشمندان بوده است.

جنگ به عنوان یک واقعیت اجتماعی همیشه در زندگی انسان وجود داشته است. تداوم و استمرار جنگ در روابط بین جوامع، موجب تفسیرهای متفاوت و متعارض گردیده، بگونه ای که عده ای این پدیده اجتماعی را ناشی از جهالت و ضلالت آدمیان دانسته‌اند؛ در حالی که برخی آن را از نتایج عالیت‌ترین مرحله عقل و خرد اعلام کرده‌اند. از نظر بعضی دیگر، جنگ باید از عرصه حیات اجتماعی رخت بربندد؛ اما عده ای اعتقادشان بر آن است که این پدیده برای جامعه انسانی ضرورت داشته، مرحله ای از کمال و پیشرفت تمدن محسوب می گردد. چنین تضادی در اندیشه‌ها و افکار در باب جنگ و به دنبال آن در مورد صلح، ما را بر آن می دارد که برخی از وجوه این پدیده را با تعمق و ژرف نگری بیشتری مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

به رغم اهمیت موضوع و تحقیقات گسترده و پر دامنه در مورد جنگ، تعریف واحد و قابل قبول دانشمندان علوم اجتماعی، درباره‌ی آن ارائه نشده است. هر یک از محققان، با تکیه بر جنبه‌ی خاصی از پدیده‌ی جنگ، تعریفی از آن ارائه می‌دهند؛ تنها یک اجماع نظر را می‌توان ملاحظه کرد و آن اینکه جنگ در زمره‌ی «منازعه‌ی خشونت آمیز جمعی» است. واژه‌ی منازعه معمولاً به وضعیتی اشاره دارد که در آن گروه انسانی معینی (خواه قبیله ای، قومی، زبانی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی - اجتماعی، سیاسی، و یا غیر آن) با گروه‌های انسانی معین دیگری به دلیل ناسازگاری واقعی یا ظاهری اهدافشان، تعارضی آگاهانه داشته باشند. منازعه‌ی خشونت آمیز دسته جمعی، در برگیرنده‌ی وضعیتی است که برای حل تعارض موجود بین دو گروه انسانی، از شیوه‌ی توسل به زور و خشونت استفاده می‌شود. چنین منازعه خشونت آمیزی جنگ است. وضعیتی است که در طول تاریخ، به دفعات در روابط بین سرزمینها و اجتماعات انسانی مشاهده شده است. و در مقابل آن صلح قرار دارد. صلح مفهومی است که تاریخ بشریت خیلی اندک؛ با آن قرین بوده است. چرا که بیشتر تاریخ انسان و جامعه‌ی بشری با جنگ سپری شده تا صلح.

جنگ و صلح همواره دارای تناوب و توالی بوده‌اند. به گونه‌ای که همواره در پس جنگ‌های کوتاه یا طولانی، صلح به ارمغان می‌آید، اما گذشت ایامی چند، جنگ جدیدی را پدید می‌آورد. چنین تناوب و توالی صلح و جنگ، تحقیق و پژوهش این دو را به هم گره زده است. وضعیت پی در پی هم آمدن جنگ و صلح در طول تاریخ بشر مسئله‌ای نیست که از چشم خدا در قرآن دور مانده باشد. معمولاً در قرآن کریم هر جا که سخن از جنگ به میان آمده درباره صلح نیز سخن گفته است. سوره انفال از مصادیق هم سخن درباره مسئله جنگ و صلح در قرآن هست. در این سوره همانطور که درباره جنگ سخن گفته شده درباره صلح و چگونگی آن نیز آیاتی آمده است.

۱. جنگ یا جهاد

هر چند در فرهنگ اسلامی، در موارد زیادی واژه‌ی جهاد، به معنی جنگ و مبارزه با مخالفان به کار رفته و می‌توان گفت که جهاد به صورت وضع تعینی مرادف با قتال با دشمنان است، ولی از نظر لغوی، واژه‌ی جنگ با جهاد متفاوت است و در معنای اصطلاحی این دو واژه نیز تفاوت بسیاری وجود دارد.

واژه‌ی جنگ به معنای حرب و قتال، فاقد بار ارزشی است و شامل هر نوع درگیری و نزاع با هر هدف و مقصودی اعم از مادی یا معنوی، دنیوی و اخروی، مبتنی بر حس ناسیونالیستی با اهداف اقتصادی و... می‌شود، ولی جهاد به معنای کوشش و تلاش مقدس پیروان یک آئین در جهت تعمیم سعادت به دیگر ملل است. بنابراین جهاد پیکاری است که برای خشنودی خداوند در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی، برای آزادی ملت‌ها از زیر بار ستم انجام می‌پذیرد. این معنا با مفهوم جنگ که به معنای مطلق درگیری است تفاوت بسیاری خواهد داشت و حداقل این است که مفهوم جهاد با مفهوم جنگ در اصطلاح حقوقدانان بین الملل متفاوت است چه اینکه جنگ در اصطلاح این دسته از حقوقدانان شامل هر درگیری و نزاعی است که بین دو یا چند دولت رخ می‌دهد (خواه در

قالب دفاع یا تهاجم با اهداف انسانی یا غیر انسانی)، ولی جهاد در اصطلاح قرآن، تنها در مورد جنگی به کار می رود که به خاطر ارزش های انسانی در جهت رهایی ملل از یوغ استعمار و استثمار و دفع ستم تحقق می پذیرد. (ابراهیمی و. ۱۳۸۵ ش)

اسلام، جنگ و درگیری را اصل نمی داند، بلکه بنا به ضرورت به آن روی می آورد. نصوص دیگری که خطاب به رسول الله ﷺ بیان شد. اسلام جنگ تهاجمی را به قصد کشور گشایی و فتح یا توسعه طلبی یا تسلط و برتری طلبی تایید نمی کند. جنگ مشروع در اسلام، جنگی است که به نام خدا و در راه خدا باشد. جنگ مشروع در اسلام، یا جنگ دفاعی است در تجاوزی که دشمن آغازیده است یا دفاع از حقی که به مقتضای عهد و پیمان و... ثابت شده است و دشمن آن را نقض نموده است و یا تامین و اطمینانی برای آزادی دعوت اسلامی.

دین به عنوان عاملی مهم در عرصه حیات بشری، نقش ویژه ای در تاریخ بشر داشته و دارد. یکی از لوازم مهم ارسال رسل و انزال کتب، رفع اختلاف در جامعه بشری بوده است. از سوی دیگر، خود دین با توجه به محتوای آن، عامل اساسی در بسیاری از جنگ های رهایی بخش بوده است. بدین معنی که پیام صلح آمیز دین، با منافع بسیاری از زرداران و زورمندان تاریخ، همخوانی و سازگاری نداشته و در مقابل جبهه گیری غیر دینداران و مخالفان، چاره ای جز درگیری و دفاع نبوده و نیست.

در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، جنگ های بسیاری رخ داده است، اما هیچکدام از آنها را جنگ صرف نمی توان نامید. همه آنها (جهاد فی سبیل الله) بوده است. قید فی سبیل الله ماهیت و هدف جهاد را مشخص می کند و آن، خدایی بودن این جهاد و مبارزه است. مقصود اساسی از این جهاد، اعتلای کلمه الله، اجرای اصول و ارزش های انسانی اعم از آزادی، عدالت، مساوات و... است.

اساساً هسته اصلی و درون مایه هر سیاست عام اسلامی، چه در جنگ و چه در صلح، مصلحت اسلام و مسلمانان و تامین امنیت برای دعوت مسالمت آمیز و دفع و رفع تجاوز و تنبیه و سر جای خود نشاندن متجاوز و نیز برقراری توازن قوا میان اسلام و دیگر ملت‌ها است.

جهاد اسلامی، جنگ شرعی عادلانه‌ای است که با هدف خیرخواهی برای انسانها و اصول انسانیت انجام می‌شود. این جهاد به خاطر حفظ و نگهداری بقای جامعه اسلامی یا دفاع از استقلال است و نه به خاطر فتح مادی یا گسترش جغرافیایی یا استعمار اجباری؛ چنانکه دول استعمارگر با بهانه استعمار و آبادانی، کشورهای دیگر را مورد تاخت و تاز و هجوم قرار داده و با وسایل مختلف، به غارت منابع آن کشورها مشغولند. جهاد، امری بسیط، یک بعدی و جنگ محض نیست، بلکه مقوله‌ای کلی، چند بعدی و کامل است و بدین خاطر است که نام (جهاد) بر آن گذارده‌اند (برزونی ۱۳۸۴ ش). فلذاست که می‌بینیم همه تعاریف وارده در این زمینه، از جهاد یا دفاع مشروع سخن می‌گویند و چنانچه از قتال یا حرب نام برده می‌شود، این موارد مقید به (فی سبیل الله) است. این قید بسیار مهم در واقع هدف و ماهیت جهاد و قتال را مشخص می‌کند. جنگ مشروع در اسلام، (جهاد فی سبیل الله) است. جهاد در راه خدا یعنی به خاطر دین و اعتلای حق برای تحقق کلمه والای الهی و در جهت دفاع از ارزشهای انسانی امر به جهاد شده است. و در جهاد، اهداف شخصی، قدرت طلبی، کشورگشایی و به دست آوردن مستعمره و .. جایگاهی ندارد. جنگ در این جهاد، هدف نیست بلکه وسیله نشر دعوت اسلامی و شناساندن آن و نیز حمایت از مسلمانان و در نهایت بناکردن جامعه اسلامی به هم پیوسته و قوی است.

جهاد در اسلام نه برای تحمیل عقیده و اجبار واکراه مردم به قبول اسلام، بلکه در راه خدا و برای تحقق ارزش‌های انسانی و همچنین برداشتن هرگونه اکراه و اجبار پیش روی مردم است تا هرکسی با تعقل و اندیشه، نظرات همه مکاتب را بشنود و بهترین آنها را برگزیند. جنگ برای رفع مانع از ایمان و توحید و برای آزادی دعوت و رفع مانع از تبلیغ

است. (مطهری، ۱۳۶۸ ش، ص ۵۰ و ۵۱). بنابراین جهاد در قرآن، فراهم کردن زمینه و ایجاد شرایطی است که مردم بتوانند خود را از ظلم و ستمی که بر آنان می‌رود یا ذلت و بدبختی که دچار آند، رهایی دهند و با آزادی و استقلال، راه خویش را انتخاب نمایند.

مراجعه به آیات قرآن کریم در سوره انفال و سایر آیات قرآنی که در تشریح جهاد وارد شده است، این نتیجه را به ما می‌دهد که تشریح جهاد در اسلام به دلیل نیاز آن به قدرت جهت دفع خطرات ناشی از جانب دشمنان است. بدیهی است که انتشار رسالت، با توجه به خطراتی که متوجه آن است و موانعی که بر سر راه آن ایجاد می‌شود، نیاز به قدرت دارد. جهاد در اسلام راهی برای مواجهه با کسانی است که می‌خواهند، آزادی دعوت پیامبری را از بین ببرند و بین او و مردم، در شنیدن دعوت دینی، حائل گردند. در واقع جهاد برای حمایت رسالت است و عرصه را برای گسترش و رساندن صدای دین به همه جهان ایجاد می‌کند. اصولاً اسلام هیچگاه افراد را مورد تهاجم قرار نمی‌دهد تا خود را به اجبار بر آنان تحمیل نماید، بلکه تنها نظام‌های کفر و شرک را که نگهبان منافع شخصی و آداب و رسوم جاهلی خویش اند، مورد هجوم قرار داده و به رفع موانع هدایت همت می‌گمارد. در واقع، جهاد در اسلام، جنگ با ملت کافر نیست، بلکه جنگ با دولت کافر است که اجازه نشر دین را نمی‌دهد.

از آیه‌های سوره انفال چنین استفاده می‌شود که پیامبران برای حفظ موجودیت نظام‌های الهی و پیام دین، ناگزیر به جنگ متوسل شده اند، چرا که آنها به مبارزه با ستمکاری، شرک و دیگر انحراف‌های اعتقادی و اجتماعی قیام کردند و بدون تردید، ستم پیشه گان، چشم دیدن آنان را نداشتند. پیامبران ناچار بودند برای حفظ درخت توحید با علفهای هرزه، مبارزه کنند و گرنه نهضت دینی در همان ابتدا از بین می‌رفت. قرآن کریم در آیه ۳۹ سوره انفال به همین مسئله اشاره کرده و درباره‌ی فلسفه جنگ در اسلام می‌فرماید: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ...» با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه ای نباشد و دین همه دین خدا گردد پس اگر باز

ایستادند، خدا کردارشان را می‌بیند»، رفع فتنه که در این آیه به عنوان علت قتال معرفی شده، به معنای مبارزه با کسانی است که با فتنه‌انگیزی مانع از انتشار پیام الهی می‌شوند. مفهوم جنگ در اسلام، همواره با مفهوم «جهاد» قرین است در اسلام جنگی، مشروعیت دارد که منطبق با مفهوم جهاد باشد. جهاد یا جنگ مقدس، جنگ به خاطر دین و در راه حق و دفاع از آزادیهای والای اسلامی است. دقیقاً به همین خاطر است که قرآن باب صلح و آرامش را گشوده نگه داشته و ترک ستیز و مخاصمه را در هر فرصت ممکن توصیه می‌کند. در آیه ۶۱ انفال به مسلمانان توصیه می‌کند، در صورتی که دشمن در ضمن منازعه ای پیشنهاد صلح داد، بلافاصله آن را بپذیرند اگرچه در آن احتمال خیانت دشمن را بدهند.

با تبیین چگونگی نگاه اسلام و قرآن به مسئله جنگ در ادامه به بررسی اصول و قواعدی می‌پردازیم که در صورت وقوع جنگی توجه به آنها ضروری است. همه‌ی عناوینی که در ادامه بررسی می‌گردد، مواردی است که مورد توجه سوره مبارکه انفال بوده و در فصل پیش به تفصیل و با دقت تمام از متن سوره استخراج شده است.

۲. آمادگی نظامی و دفاعی

جوامع انسانی براساس نیازهای مشترک پدید آمده‌اند و تضاد منافع، بروز جنگ میان آنان را ناگزیر ساخته است؛ از این رو، آمادگی نظامی از ضروریات حیات اجتماعی به شمار می‌رود، پذیرفته‌ترین هدف از آمادگی نظامی، حفاظت از منافع مادی و معنوی فردی و اجتماعی است. این معنا مورد پذیرش قرآن در سوره انفال نیز هست. در آیه ۶۰ آمده است: **تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ... تا دشمنان خدا و خودتان را بترسانید از آن جا که «ژهب» یا «رَهْبَة» ترس همراه با دوری از خطر است (راغب، ۱۳۸۳، ص ۳۶۶).** بنابراین منظور از این ترس، نقش بازدارنده داشته و از تجاوز دشمنان به مرزهای مادی و معنوی مسلمانان جلوگیری می‌کند.

دین اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، با هدف رهایی بشر از قید و بندهای دنیوی، حاکم کردن ارزش‌های انسانی، نشر توحید و خداپرستی و اجرای کامل اصول عدالت اجتماعی به پیروان خود دستور آمادگی نظامی - دفاعی داده است.

قرآن به آمادگی نظامی جامعه اسلامی تأکید ویژه ای دارد. آمادگی نظامی در دو حوزه منابع انسانی و ابزارهای نظامی که از آن به عدّه و عدّه یاد می‌شود، این امکان را به دولت اسلامی می‌بخشد که در هر زمان و مکانی علیه دشمن اقدام کند و امکان هرگونه پیروزی و موفقیتی را از آنان سلب کرده و به عنوان عامل بازدارنده عمل نماید. براین اساس خداوند در قرآن از دولت و ملت اسلامی می‌خواهد آمادگی نظامی را به عنوان یک راهبرد اصلی درسیاست‌های کلان در نظر داشته باشند.

درحقیقت آمادگی نظامی که با فراهم آوری و تدارک نیروها و امکانات لازم اعم از مادی و معنوی برای رویارویی با دشمنان موجود یا احتمالی، درجامعه اسلامی شکل می‌گیرد، عامل بسیار مهم درایجاد اعتماد عمومی و امنیت عمومی و آرامش روحی و روانی جامعه و عامل بازدارنده از هجوم دشمن و ترس و وحشت از نیروهای رزمنده اسلام خواهد داشت.

توانمندی نظامی یکی از عوامل عمده در قدرت دولت‌ها و ملت‌ها محسوب می‌شود. دین اسلام در آغاز با زیر سوال بردن هنجارها و ایستارهای زمانه‌ی خود، مناسبت‌های قدرت را دگرگون کرد و منافع اشراف و زورمداران را به خطر انداخت. در نتیجه بسیاری سران قبیله‌ها به مبارزه و مقابله جدّی با پیامبر و دین اسلام رو آوردند و از هیچ تلاشی برای نابودی آن دریغ نکردند. این امر از سویی نوعی آمادگی دفاعی مسلمانان در برابر دشمنان درون قلمرو اسلامی را مطرح می‌کرد و از سوی دیگر پیام جهانی رسول خدا، دعوت امپراتوری‌های زمان و تلاش برای برداشتن موانع دعوت، همه حکایت از آن داشت که دین نوپای اسلام به قدرت نظامی نیاز دارد. همان‌گونه که امروزه توان نظامی، نقشی اساسی در میزان قدرت سیاسی و تأثیرگذاری کشورها در روابط بین‌الملل بازی می‌کند، در

آن زمان نیز برپایی دولت اسلامی در مدینه و رسیدن به مناسبات مطلوب قدرت به توان نظامی نیاز داشت. در نتیجه آیات زیادی از قرآن به لزوم آمادگی مسلمانان پرداخته اند، مشهورترین آیه در این باره در آیه ۶۰ سوره‌ی انفال آمده است که خداوند می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ... و هرچه در توان دارید، از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگر دشمنان جز ایشان را بترسانید.»

در این آیه خداوند به صراحت به مسلمانان امر می‌کند آمادگی و قدرت نظامی خود را حفظ کنند.. علامه طباطبایی ضمن ناگزیر دانستن تقابل نظامی در جوامع انسانی به دلیل تضاد منافع و ارتباط آن با قوه قهریه انسان در خلقت، ذیل تفسیر این آیه می‌نویسد:

«اینکه فرمود: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِّبَاطِ الْخَيْلِ» امر عامی است به مؤمنین که در قبال کفار به قدر توانایشان از تدارکات جنگی که به آن احتیاج پیدا خواهند کرد تهیه کنند، به مقدار آنچه که کفار بالفعل دارند و آنچه که توانایی تهیه آن را دارند، چون مجتمع انسانی غیر از این نیست که از افراد و اقوامی دارای طبایع و افکار مختلف تشکیل می‌یابد، و در این مجتمع هیچ اجتماعی بر اساس سنتی که حافظ منافعشان باشد اجتماع نمی‌کنند مگر اینکه اجتماع دیگری علیه منافعش و مخالف با سنتش تشکیل خواهد یافت، و دیری نمی‌پاید که این دو اجتماع کارشان به اختلاف کشیده و سرانجام به نزاع و مبارزه علیه هم برمی‌خیزند، و هر یک در صدد برمی‌آید که آن دیگری را مغلوب کند. پس با این حال مساله جنگ و جدال و اختلافاتی که منجر به جنگ‌های خسارت‌زا می‌شود امری است که در مجتمعات بشری گریزی از آن نبوده و خواه ناخواه پیش می‌آید، و اگر این امر قهری نبود انسان در خلقتش به قوایی که جز در مواقع دفاع بکار نمی‌رود از قبیل غضب و شدت و نیروی فکری، مجهز نمی‌شد. پس اینکه می‌بینیم انسان به چنین قوایی در بدن و در فکرش مجهز است خود دلیل بر این است که وقوع جنگ امری است اجتناب ناپذیر، و چون چنین است به حکم فطرت بر جامعه اسلامی واجب است که

همیشه و در هر حال تا آنجا که می‌تواند و به همان مقداری که احتمال می‌دهد دشمنش مجهز باشد مجتمع صالحش را مجهز کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۹، ص ۱۵۱ و ۱۵۲)" در ادامه به مسائلی که درباره چگونگی آمادگی نظامی می‌پردازیم که مورد توجه سوره انفال بوده و با تأمل در آیات این سوره بدست می‌آید.

۲.۱- آمادگی روحی

عمومیت آیه ۶۰ انفال که به فراهم آوردن همه توان‌مندی‌ها فرمان داده است، آمادگی روحی و معنوی نیروهای رزمنده را نیز دربرمی‌گیرد. چنان‌که در نبرد بدر، شمار اندک مسلمانان، بر شمار بسیار کافران غلبه یافت. چرا که به تصریح قرآن، شرکت نیروهای ناکار آمد و سست‌بنیاد، نه تنها سودی برای مسلمانان نخواهد داشت، بلکه سرچشمه فساد و فتنه در سپاه حق نیز خواهد بود.

۲.۲- رزمایش نظامی

یکی از ضرورت‌ترین ابعاد آمادگی نظامی که در آمادگی روحی و رزمی نیروها مؤثر است و قدرت مسلمانان را به دشمن نشان می‌دهد، رزمایش‌های نظامی و نمایش قدرت است. نیروهای نظامی نه تنها باید در کاربرد همه سلاح‌ها و فنون رزمی مهارت داشته باشند، بلکه باید این توان را به نمایش گذاشته، با ایجاد رعب و هراس در دل دشمن، فکر تجاوز را از ذهن او بیرون آورند (تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ). این ترس، بازدارنده بوده و از تجاوز دشمنان به مرزهای مادی و معنوی مسلمانان جلوگیری می‌کند. برخی از مفسران کاربرد حرف «لام» در عبارت «وَأَعِدُّوا لَهُمْ» به جای «علی» را بیان‌گر آن می‌دانند که آمادگی نظامی مسلمانان برای دفاع بوده و حالت بازدارندگی دارد و رویارو نشدن دشمنان با مسلمانان یقیناً به نفع خودشان خواهد بود. (صادقی، ۱۳۶۵ ش، ج ۹ و ۱۰، ص ۲۷۵)

۲.۳- تخصیص بودجه‌های نظامی

به یقین، همه ابعاد آمادگی نظامی، نیازمند پشتیبانی مالی است. آیه ۶۰ سوره انفال پس از دستور به آمادگی نظامی به انفاق در راه خدا پرداخته است: «... وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ». در بسیاری از آیات قرآن، سخن از انفاق آمده؛ اما به طور مسلم یکی از موارد اساسی انفاق، اختصاص بودجه‌های نظامی است؛ به ویژه که در آیه پیشین، پس از امر «آماده‌باش نظامی» دستور انفاق داده شده است. از جمله «وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ» نیز برداشت کرده‌اند که با تجهیز نیروهای مسلح، در دل دشمنان رعب ایجاد شده، در نتیجه، توانایی ستم به مسلمانان را نخواهند داشت. (مکارم ۱۳۷۴ ش، ج ۷، ص ۲۲۹)

۲.۴. مرزبانی

از برجسته‌ترین نشانه‌های آمادگی نظامی، هوشیاری در حراست از مرزها است. بیش‌تر مفسران، در تفسیر جمله «مِن رِبَاطِ الْخَيْلِ» در آیه ۶۰ انفال، مرابطه را همان مرزبانی دانسته و به مباحث گسترده‌ای از جمله اهمّیت مرزبانی و فضیلت آن پرداخته‌اند. اصل و ریشه‌ی «رباط»، ملازمت و مواظبت بر امر و نگهبانی از مرزها است. «مرباط» آن است که هر یک از دو طرف جنگ، برای حفظ آمادگی، گروهی را بر سر مرزها بفرستند. در نتیجه به مقر کنار مرزها «رباط» گفته می‌شود.

۲.۵- آمادگی با حد اکثر توان

برخی از مفسران در تفسیر آیه ۶۰ سوره انفال آمادگی نظامی را به ادوات جنگی رایج در صدر اسلام منحصر دانسته‌اند. مستند آنان به ظاهر روایاتی از رسول خداست که مقصود از قوه در آیه مزبور، را همان شمیر یا تیراندازی یا سپر دانسته است. اما مفسران

متأخر، با توجه به ادله‌ای، بر این باورند که حکم این آیه، کلی و عمومی است و به تناسب مقتضیات زمان و مکان، همه سلاح‌های روز را شامل می‌شود.

نیروهای مسلح باید حداکثر توان نظامی داشته باشند و پیشرفته‌ترین تجهیزات و سلاح را در اختیار داشته باشند و در دل دشمنان ایجاد رعب و وحشت نمایند تا آنها به خود جرأت درگیری و تجاوز را ندهند، این امر باعث ایجاد صلح و ثبات خواهد شد و فکر جامعه‌ی اسلامی را از تعدی و تجاوز ستمکاران آسوده خواهد کرد.

۳. صلح (سلم)

جلوگیری از وقوع جنگ و تلاش برای برقراری صلح از آغاز تاریخ زندگی جمعی بشر دغدغه‌ای در اذهان رهبران و اندیشمندان اجتماعی بوده است. ادیان آسمانی به عنوان مؤثرترین مکاتب فکری، در برابر این موضوع سکوت نکرده اند و الگوهای را در جهت ایجاد صلح واقعی معرفی می‌کنند. در تعالیم ادیان توحیدی گزاره‌های مثبتی مبنی بر توجه به اندیشه صلح جهانی و روش‌های زندگی مسالمت آمیز و صلح جویانه انسان‌ها با یکدیگر می‌توان یافت. نگاهی هر چند گذرا به برخی از این تعالیم ما را به دریافت بهتر مفهوم صلح رهنمون میکند. قرآن کریم به عنوان یگانه کتاب آسمانی تحریف نشده، رهنمودهای ارزشمندی در جهت نیل به صلح واقعی ارائه می‌دهد. به همین منظور به جهت شناخت مفهوم صلح در قرآن کریم، به یکی از معادل‌های قرآنی که در سوره انفال با واژه سلم ذکر شده، خواهیم پرداخت، تا بخشی از دیدگاه قرآنی به صلح را تحلیل نماییم.

صلح در آیه ۶۱ سوره انفال

بررسی و مطالعه قرآن کریم بیانگر آن است که از ریشه (س ل م) مشتقات متعددی نظیر اسلام، تسلیم، مسلم، سلام و... به کار رفته است. (۵)، لکن از میان این

واژگان، واژه سلم با مفهوم مصطلح (صلح) مترادف بیشتری دارد. که در ۶۱ سوره مبارکه انفال به مسئله صلح پذیریر می‌پردازد.

صلح پذیری

(وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) و اگر به صلح

گراییدند تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست (۶۱ انفال)

واژه «جناح له» و «جناح الیه» یعنی به آن مایل و راغب شد. «سلم» نیز به معنای صلح است و همانند ضدش «حرب» مونث ذکر شده است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۴۹۶). این آیه پیرامون صلح با دشمن بحث می‌کند و این حقیقت را روشن می‌سازد که اگر آنها تمایل به صلح نشان دادند، تو نیز دست آنها را عقب نزن و تمایل نشان ده (جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰).

آیه مذکور دال است بر جواز صلح با کفار وقتی که مصلحت مسلمانان در آن باشد بنابراین رای امام علیه السلام و گاهی واجب شود (جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۰). اینکه فرمود: «و توکل علی الله» تتمه امر به جنوح و همگی در معنای یک امر است و آن این است که اگر دشمن به صلح و روش مسالمت آمیز رغبت کرد، تو نیز به آن متمایل شو و به خدا توکل کن و مترس از اینکه مبدا امور پست پرده باشد و تو را غافل گیر کند و تو به خاطر نداشتن آمادگی نتوانی مقاومت کنی، چون خدای تعالی شنوا و دانا است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ج ۹، ص ۱۵۲)

نکات آیه پیرامون مفهوم سلم و صلح

۱. صلح با عزت

اسلام خواهان صلح شرافتمندانه، مسالمت آمیز، با احترام و رعایت حقوق متقابل است. در اسلام، اعتقاد به صلح به معنای پرهیز از جنگ به هر قیمت و تحت هر شرایطی نیست و هرگز نمی‌توان به بهانه صلح طلبی از جنگ با دشمن متجاوز روی گردان شد، یا ندای صلح خواهی او را که در واقع پوششی برای تثبیت یا ادامه تجاوز و ارائه یک چهره صلح طلبانه است، اجابت کرد. تجاوز را با صلح پاسخ گفتن، در واقع تسلیم در برابر ظلم و زیر پا گذاشتن شرافت انسانی و از همه مهم‌تر تشویق متجاوز و مشروعیت دادن به تجاوز است. صلح و سازشی که کرامت انسانی مسلمانان را به ننگ خواری و حقارت آلوده سازد و ظلم و تجاوز را بر کرسی مشروعیت بنشاند، به هیچ وجه مورد تأیید اسلام نیست.

عزت اسلام و امت اسلامی از ملاکهای اساسی مشروعیت صلح است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. امام علی علیه السلام ترجیح صلح بر جنگ را در صورتی می‌پذیرد که سستی و خللی در عقیده به اسلام رخنه نکند، از این رو امیر مؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مسالمت و صلح را از آن گاه که موجب سستی در اسلام نگردد، از جنگ سودمندتر یافتیم».

البته به این نکته باید توجه داشت که در همه مواردی که بنابر مصالحی، چاره ای جز پذیرفتن صلح نیست، یا صلح بیشتر هدف را برآورده می‌سازد، عزت اسلامی خدشه دار نمی‌گردد. آنچه مهم است، هدف از پذیرش صلح است. اگر هدف، حفظ اسلام، تداوم وحدت مسلمانان، هویدا ساختن چهره حقیقی متجاوز و مانند آن باشد، صلح برای اسلام و مسلمانان عزت آفرین است. لذا با توجه به آیه ۶۱ سوره انفال، مسلمانان باید در مرحله ای از قدرت باشند که تقاضای، از سوی دشمن باشد «وان جنحوا». (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص

۲. پیشنهاد صادقانه صلح

صلح در اسلام، صوری و ظاهری نیست و صلح طلبی تنها یک ادعا و تاکتیک موقت و گذرا و حربه ای تبلیغاتی برای ارائه چهره ای بشر دوستانه و خلع سلاح رقیب بشمار نمی‌رود، بلکه از ژرفای رأفت و شفقت دین اسلام به خلق و حرص و ولع بسیار به سعادت آنان سرچشمه می‌گیرد. صلح در اسلام به پشتوانه ای از صداقت، احترام عمیق به حقوق واقعی بشر و علاقه وافر به حفظ جان و مال و آبروی انسانها و آزادی تفکر و انتخاب آگاهانه بشر متکی است. از این رو، ندای صلح را آن گاه ارزشمند و راه گشا می‌داند که از جان انسانهای با وجدان و آگاه و نوع دوست و خیر خواه برخیزد، نه از زبان انسانهای دوچهره خود خواه و بی تفاوت. گواه این مدعا این است که خداوند در همین سوره مبارکه چندین بار نسبت به دشمنان خیرخواه بوده و آنان را دعوت به تسلیم شدن در بابر حق، در گذشتن از گناهانشان توصیه و سفارش می‌کند و حتی به مومنین بیان می‌دارد که در صورت رویگردانی کفار از جنگ با آنان برخورد مناسب داشته باشند. چنانچه به صراحت به پیامبر کرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌دارد که اگر آنها به ترک جنگ و آشتی کردن، تمایلی نشان دهند، تو هم تقاضای صلح را بپذیر و به آنها متمایل باش. (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص ۲۵۱)

۳. اصل پذیرش صلح

دولت اسلامی باید پیشنهاد سازش از سوی کافران را بپذیرد، در صورتی که آنان تهاجم نکرده و نکنند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۰، ص ۲۸۴). آیه مورد بحث جمله ای شرطی است، می‌گوید اگر تمایل به صلح داشتند، تو بپذیر. این آیه بیانگر رویکرد صلح طلبانه قرآنی است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۵۴) پس این آیات نیز نشان می‌دهد که اسلام روحش، روح صلح است. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۷)

۴. مسئول پذیرش صلح

پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگهایی که خودش شرکت می کرد، شخصاً فرماندهی را به عهده داشت و دستورات لازم را صادر می کرد و با سپردن مأموریت مناسب به هر یک از یگانهای لازم، اصل همکاری را در همهی غزوهها حفظ می کرد و با ایجاد همکاری میان صفوف گوناگون در زمان مناسب، راه پیروزی سپاه خویش را هموار می ساخت.

دربارهی حضور آن حضرت در جنگ بدر آمده است که حضرت از مقرر فرماندهی دستور داد از حمله خودداری نمایند و با تیراندازی از پیشروی دشمن جلوگیری کنید. (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۲ ص ۱۲۳) خودش نیز شجاعانه به جنگ می پرداخت طوری که علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ می فرماید: هرگاه آتش جنگ شعله می کشید ما به رسول خدا پناه می بردیم که در آن لحظه کسی از ما همانند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دشمن نزدیکتر نبود. (نهج البلاغه دشتی، ص ۶۹۱)

دفع تجاوز دشمنان و ایجاد امنیت مسلمانان از مهم ترین اهداف استراتژیک رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود. برای این امر، اذن و اجازه الهی نیز کار را تسریع می کرد از این رو فرماندهی شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لطفی الهی و اقدامی هوشمندانه از جانب ایشان بود بنابراین پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جوانب و مسائل مختلف در نبردها آگاهی و اشراف کامل داشتند و تشخیص ادامه جنگ، تغییر تاکتیک و یا پایان جنگ و پذیرش صلح به عهده ایشان بود. از منظر خداوند هم مسئولیت پذیرش صلح بر عهده رهبری جامعه است چنانچه در آیه شریفه ۶۱ سوره انفال هم خطاب به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمایند که اگر پیشنهاد صلحی شد ای پیامبر شما مسئول پذیرش صلح باش، و تشخیص را بر عهده او می گذارد، نه دیگر مومنان.

۵. صلح عینی

چنانچه گفته شد واژه (سلم) در قرآن کریم با اعراب‌های گوناگون در ۱۰ آیه به کار رفته است. از این میان واژه سلم با کسره اشاره به صلح ایمانی و درونی دارد که در جامعه مسلمین از طرف خداوند به آن توصیه می‌شود. از سوی هم این کلمه در اعراب (سلم) - با فتح - گویای صلحی است که یک طرف آن را مسلمانان و طرف مقابل را کفار و دشمنان اسلام تشکیل می‌دهند. بنابر این مفهوم سلم دارای دو سطح درونی و بیرونی است. سطح درونی، ناظر به ارتباطات داخلی جامعه ایمانی است و سطح تحلیل بیرونی ناظر به تقابل جامعه ایمانی و غیرایمانی مثل کفر و نفاق است. که آیه ۶۱ سوره انفال به این بخش از صلح اشاره دارد.

۶. هوشمندی ریسک پذیری

صلح اسلامی کاملاً آگاهانه و هوشمندانه است. این آیه در انتها پیامبر ﷺ را امر به توکل می‌کند و در آیه بعدش اشاره دارد که اگر قصد نیرنگ و خدعه داشتند، خداوند یاری‌گر توست، یعنی احتمال نیرنگ و فریب وجود دارد، (و ان یزیدوا ان یخدعوک فان حسبک الله). (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۳۰)

امیر المومنین علیه السلام خطاب به مالک اشتر، در موضوع هوشمندی در صلح با دشمنان، می‌فرماید: «و لا تدفعن صلحا دعاک الیه عدوک و لله فیه رضا فان فی الصلح دعه لجنودک و راحه من همومک و امنا لبلادک و لکن الحذر کل الحذر من عدوک بعد صلحه فان العدو ربما قارب لیتغفل». (نهج البلاغه، ۵۳) و از صلحی که دشمن تو را بدان فرا خواند، و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند. و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند، لیکن زنه‌ار زنه‌ار از دشمن خود پس از آشتی پرهیز که بسا دشمن به نزدیکی گراید تا غفلتی یابد. (شهیدی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۸)

پس از بررسی آیات مربوط به صلح در سوره مبارکه‌ی انفال و خصوصاً آیه ۶۱ سوره می‌توان نتیجه گرفت که سلم یا همان صلح در اسلام یکی از اصول اساسی دولت اسلامی بوده و اسلام صلحی با عزت، صادقانه و هوشمندانه را تحت نظر رهبر جامعه مسلمین جایز و بلکه تجویز نموده و بر اصل جنگ در روابط با دول غیر اسلامی مقدم می‌دارد.

در این نوشتار تلاش شده است با بهره‌گیری از روش ساختاری - مضمونی به بررسی دلالت‌های سیاسی سوره انفال پرداخته شود. به کمک این روش روشن شد قلب و محور اصلی سوره انفال جهاد می‌باشد و غرض اصلی از ارسال این سوره بیان مسائل مهم جهاد است. در ادامه به احصاء دلالت‌ها و مضامین سیاسی سوره پرداختیم. در ادامه با بررسی دو مضمون مهم سیاسی این سوره به نام جهاد و صلح این نتیجه بدست آمد که در اسلام جهاد تنها با هدف و انگیزه الهی برای رفع موانع رشد بشری ایست. و اصل بر دفاعی بودن جهاد در اسلام است لذا صلح از اولویت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما این امر لازم نمی‌گردد که جامعه اسلامی به هر گونه صلح تن دهد بلکه عزت جامعه مسلمین یکی از شرایط اصلی صلح است. البته به دلیل اینکه سنت تاریخ بشر نشان داده که جبهه باطل و کفار در صدد خدعه و نیرنگ بر علیه حق و جوامع الهی م‌بباشند لذا یکی دیگر از ضرورت‌های جامعه و دولت اسلامی آمادی نظامی با تمامی قوا برای ایجاد رعب در دل دشمنان و پیشگیری از نیرنگ آنان است.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی ورکیانی، محمد، مبانی فلسفی - کلامی جنگ و جهاد از منظر ادیان، فصلنامه آینه معرفت ۱۳۸۵.
۲. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، ج ۱، تهران، انتشارات قلم، چ ۱، ۱۳۷۲.
۳. برزونی، محمد علی، مقاله اسلام، اصالت جنگ یا اصالت صلح، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری شماره سی و دوم، ۱۳۸۴.
۴. جرجانی، سید امیر ابوالفتح، آیات الحکام، ج ۲، تهران: انتشارات نوید ۱۳۶۲.
۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۳۲ و ۳۳، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۳.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳.
۷. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۸. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۹ و ۱۰، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۹. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۹ و ۱۰، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۰. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱، چ ۵، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم ۱۴۱۷ ق.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، ج ۴، ۱۳۶۰ ش.
۱۲. قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۴، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.
۱۳. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چ ۳ ج ۴، تهران، ناشر: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. مطهری، مرتضی، جهاد، چ ۴، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸.
۱۵. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، نشر التمهید، ۱۳۸۸.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۷، تهران، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۷. یوسفی غروی، محمد هادی، تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعه التاریخ الاسلامی) ج ۲، ترجمه حسینعلی عربی، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸.

